



دنیای سحرآمیز موسیقی

گردآوری و ترجمه: ایج بلمری



نشر ناصری



مرکز موسیقی پیغمرون شیراز

دنیای سحرآمیز موسیقی

گردآوری و ترجمه: ایرج بلهری



نشر ترنـت

فهرست

| | |
|---------|---|
| ۹ | مقدمه |
| فصل اول | |
| ۱۳ | الکساندر کنستانتنینوو ویچ گلازونوف |
| ۱۸ | الکساندر نیکولایه ویچ اسکریابین |
| فصل دوم | |
| ۲۵ | راین هولد موریسو ویچ گی لیر |
| ۴۰ | نیکالای یاکوولو ویچ میاسکفسکی |
| ۵۲ | سرگئی سرگیه ویچ پروکوفیف |
| ۱۴۴ | دمیتری شوستاکو ویچ |
| ۲۳۴ | آرام ایلیچ خاچاتوریان |
| ۲۴۹ | دمیتری بوریسو ویچ کا بالفسکی |
| ۲۵۹ | تیخون نیکالایه ویچ خری نیکف |
| فصل سوم | |
| ۲۶۵ | سوفیا آسگاتونا گوبای دولینا ملقب به آسگت کیزی |
| ۲۶۸ | رودیون کنستانتنینو ویچ شچدرین |
| ۲۷۱ | آلفرد گاریه ویچ اشنتیکه |
| ۲۷۵ | منابع |

پیش‌گفتار

این کتاب مشتمل بر آثار آهنگ‌سازان روس و شوروی سابق از سال ۱۹۰۰ تا زمان ما، یعنی آهنگ‌سازان متولد بعد از جنگ جهانی دوم در جمهوری‌های شوروی است و آنها بیکار که از آغاز فعالیت هنری در خارج از روسیه و شوروی زندگی کرده‌اند را شامل نمی‌شود.

آهنگ‌سازان در هفده سال اول قرن بیستم، تحت سلطه‌ی رژیم تزاری، پایان دوره‌ی رومانتیسیسم را نوید دادند و به سبب تلاطم بسیار و آغاز دوران و فضای انقلابی، عمدتاً زیر نفوذ «پنج مقترن» یعنی گروه پنج نفره‌ی ریمسکی کورساکف آهنگ می‌ساختند. با شروع موج نو در هنر غرب، هنرمندان روس هم از آن متأثر شده و آهنگ‌سازانی مانند اسکریابین در این بین ظهرور کردند که به نوعی با سبک و سیاق پساواگنر و کروماتیسیسم، اکتشافات خود را پی گرفتند و تا محدوده‌های آتونالیتی پیش رفتند. بقیه‌ی آنها هم با روشی که ملجمه‌ای از رومانتیسیسم و آهنگ‌های فولکلور بود، به کار پرداختند. لرزه‌ها و پس لرزه‌های انقلاب ۱۹۰۵ و تلاطم ناشی از جنگ جهانی اول و بعد از آن، باز هم انقلاب ۱۹۱۷، فضای بسیار پر تنشی در سرزمین پهناور روسیه به وجود آورد. انقلاب اکتبر، تحولی اساسی در زندگی مردم به جا نهاده و طلیعه‌ی روزگاری نو را نوید می‌داد.

ناآرامی‌های ناشی از جنگ‌های داخلی، باعث به هم ریختن آرامش مردم شد و سرانجام باز هم طبله‌ای مخوف جنگ جهانی دوم به صدا درآمده و این کابوس، همه چیز را به هم ریخت. با نگاه دقیق‌تر به حوادث قرن بیستم و آنچه در روسیه واقع شده، از جمله دو انقلاب، در عرض دوازده سال فاصله از هم و دو جنگ جهانی، به فاصله‌ی کمی پیش از ده سال از هم و جنگ‌های داخلی بین این دو جنگ، نشان از آن دارد که هیچ‌گا...

منطقه از دنیا در قرن بیستم، روی آرامش به خود ندیده‌اند و این خود گواهی برآن است که چرا صلح و زندگی صلح‌آمیز تا این حد، برای این مردم اهمیت دارد. در این بین، طبیعی است که همه چیز حتی هنر موسیقی نیز تحت الشاع این همه حادثه‌ی ناگوار قرار گیرد و باز هم بسیار منطقی است که هنرمند نیز مانند بقیه‌ی مردم جدا از این صحنه‌ی کارزار نبوده و در جبهه‌ی دفاع از میهن به کار جانانه مشغول باشد.

براساس گزارش‌های هنرمندان، در آن لحظه‌ی رعب و وحشت بدون ترس از مرگ، حتی در جبهه‌ی مقدم، جهت ارتقای روحیه‌ی مبارزان، می‌نواختند و مثال زنده‌ی آن، تصنیف آثار شوستاکوویچ و پروکوفیف و بقیه است. پس از پایان جنگ، افق دلپذیر صلح، پدیدار و در این فضا موسیقی‌دانان نیز فرصت تازه‌ای یافته و هنر نوین خویش را به گوش همه رسانند؛ اما متأسفانه در این زمان هم هنوز سخت‌گیری‌های زمان جنگ در مورد هنرمندان ادامه یافت تا آنکه پس از مرگ استالین فضای هنر بازتر شد و آهنگ‌سازان به سوی محدوده‌های تازه، روان شدند و فرصت یافتنند تا هنر خود را به جهانیان ارائه دهند. این روند تا زمان فروپاشی شوروی ادامه یافت. هنرمندان متولد دوره جنگ دوم جهانی، حال به دوران باروری خود رسیده و محدوده‌ها و افق‌های نوینی را طلب می‌کردند و فروپاشی، این مجال را برایشان فراهم آورد. گوبای دولینا، اشنیتکه، پرت و شچدرین از آن جمله هستند که با داشتن گوشه چشمی به ملوی‌های فولکلور توجه خود را به یافته‌های مدرن هم مبدول داشتند.

به جرأت می‌توان گفت که این مسیر پر از سنگلاخ که هنرمندان شوروی و روسیه در قرن بیستم پیمودند، اصولاً در هیچ کجا سابقه نداشته و طی نشده است و همین امر سبب شده تا ایده‌های تلخ و شیرین بسیاری، در هنر آنها حادث آید و جلوه‌های باشکوهی به هنر آنها ارزانی گردد.

مقدمه

موسیقی در کشورهای پیرامونی روسیه از ابتدای قرن بیستم، با توجه به وضعیت سیاسی آن کشورها، راهی بس طولانی و خطیر را طی کرده است. اگر بخواهیم این روند را به دقت تحلیل کنیم باید آن را به سه دوره‌ی کاملاً مجزا تقسیم نماییم:

- ۱) از سال ۱۹۰۰ تا ۱۹۱۷، زمان وقوع انقلاب اکتبر و فروپاشی نظام سلطنتی.
- ۲) دوران انقلاب و استقرار حکومت سوسیالیستی.
- ۳) پس از فروپاشی و استقرار نظام جمهوری پارلمانی تاکنون.

هنر چند ملیتی مردم شوروی و حتی روسیه، بیانگر روحیات انسان‌هایی است که اغلب ملزمات خود را از سنن و آداب مکاتب کلاسیک اروپای قرن نوزدهم و فولکلور به شدت ارزشمند موجود در کشور خود، اخذ کرده و با نبوغشان آنها را درآمیخته و به دنیا ارائه کرده‌اند.

آهنگ‌سازان شوروی، میراث موسیقی‌ای خود را به شکلی غنی از روسیه قبل از انقلاب می‌خانیل گلینکا، مdest موسورگسکی، نیکالای ریمسکی کورساکف، الکساندر بورودین، پیوتر چایکوفسکی و الکساندر اسکریابین نسل به نسل دریافت داشته‌اند.

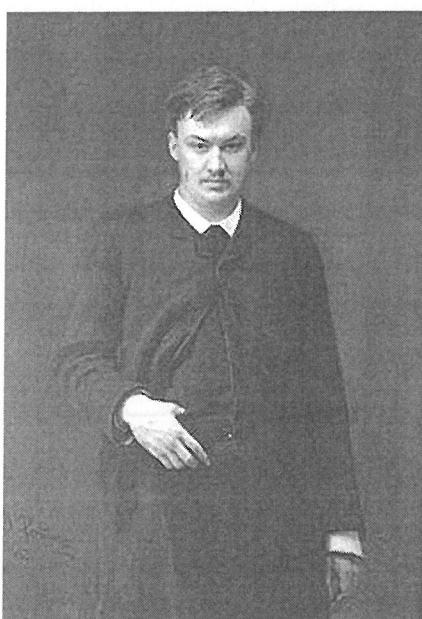
در حدود سال‌های ۱۹۱۷ سطح فرهنگ موسیقی روسیه (خاصه هنر تفسیری) به واقع بسیار بالا بوده و درست در حدود سال‌های جنگ جهانی اول، باله‌ی روس در اروپا بسیار مشهور بود. خوانندگانی از روسیه چون فیودور شالیاپین، آنتونینا نزدانووا و لئونید سوینیوف همراه آهنگ‌سازانی چون آنتون روین اشتاین و سرگئی راخمانینوف و کمی بعد از آن هم سرگئی پروکوفیف در سراسر دنیا آن روز سیر کرده و موفقیت عظیمی یافتند.

فصل اول

آهنگسازان قبل از انقلاب اکتبر

الکساندر کنستانتینوویچ گلازونوف Alexander C. Glazunov

۱۸۶۵ سن پترزبورگ، ۱۹۳۶ نوی سورسن (فرانسه)



الکساندر گلازونوف (نقاشی از ایلیا رویین نقاش بزرگ روس)

گلازونوف یکی از آخرین استادان موسیقی روس است که سنت مکتب «پنج‌نفره» را ادامه داد و این سنن را با لحاظ سازی دنیای موسیقی آن زمان، با قدرت به پیش می‌برد.

پروکوفیف سوئیت اسکی تین خود را در ۱۹۱۶ در سن پترزبورگ معرفی می کرد، گفته شده گلازانوف با عجله از سالن بیرون دوید و در حالی که دستهای خود را روی گوشش گذارد بود سعی داشت تا از دست دیسونانس های پروکوفیف در امان بماند. این ژست در واقع نمادی از سبک کار گلازانوف در آهنگسازی است.

وی سال های زیادی در روسیه زیست و شاهد تغییرات در سنتها و آغاز دوره های جدید بود. در سراسر زندگی آثار آهنگسازان دور و بر خود که از موسورگسکی شروع شده و به پروکوفیف و استراوینسکی ختم می شد و هر کدام بلند پروازانه به راهی نو می رفتند را شنید. او برای تمام این سبک ها و اصوات جدید، همواره گوش هایش را گرفته بود و به راه خود می رفت.

در جذر و مدد زیر و بمهای قدر تمدن و تحرکات موسیقی که بسیاری از آهنگسازان گرفتار آمده بودند در او تأثیری نگذاشتند. او انقلابی و حتی تجربه گر هم نبود و غالباً اقرار کرده که به شدت تحت تأثیر برامس بوده است؛ زیرا برامس به شکلی ناب، احترام خاصی برای سازه های تکتونیک (معماری تون ها) قائل بوده و به صورت خارقالعاده ای در این کار هم ماهر بوده است. او با به کار گیری فنونی قابل ملاحظه، آثارش را با زیبایی احساس، درآمیخت و به این سبب برخی از آنها بسیار جذاب و تحسین برانگیز شدند.

آثار عمده ای او قبل از سال های ۱۹۰۰ که در این مقال پیگیری نمی شوند عبارتند از: پوئم سمفونیک استنکا رازین اپوس ۱۳ (۱۸۸۵)، پنج نوولت برای کوارت زهی اپوس ۱۵ (۱۸۸۸)، سمفونی چهارم در می بمل اپوس ۴۸ (۱۸۹۳)، سمفونی پنجم درسی بمل اپوس ۵۵ (۱۸۹۵)، سمفونی ششم، دومینور اپوس ۵۸ (۱۸۹۶)، سن دوباله برای ارکستر اپوس ۵۲ (۱۸۹۵) و دو باله بسیار موفق «ریموندا» اپوس ۶۸، اجرا در ژانویه ۱۸۹۸ در سن پترزبورگ و فصول اپوس ۶۷ که در فوریه ۱۹۰۱ در همین شهر اجرا گردید.

گلازانوف، دهم آگوست ۱۸۶۵ در سن پترزبورگ متولد شد. در نه سالگی به تحصیل پیانو پرداخت و در سیزده سالگی آهنگسازی را تجربه کرد. میلی بالاکرف به شدت تحت تأثیر او قرار گرفت و او را مجبور کرد تا با ریمسکی کورساکف به تحصیل بپردازد و زیر نگاه نافذ او، گلازانوف جوان، سمفونی اولش را ساخت (در می مازور اپوس ۵، ۱۸۸۱). این سمفونی توسط خود بالاکرف در کنسرت مدرسه‌ی آواز در سن پترزبورگ در ۲۹ مارچ ۱۸۸۲ اجرا شد و مورد توجه زیاد قرار گرفت.

سازارکوئی اثر را چنین وصف کرده است: «اثری خیره‌کننده، با پختگی زودرس و ترس‌آور» سمعونی در حالی که بسیار هم مشعشع نبود مورد توجه عموم قرار گرفت. گلازونوف جوان با یک کوارت زهی عالی در فاماژور اپوس ۱۰ در ۱۸۸۴ و اورتوری درخشن روى تمهايي یوناني شماره ۲ اپوس ۶ (۱۸۸۵) و پوئم سمعونیک استنکارا زين، نیوغ خود را ثابت کرد.

تها بیست سال داشت که در زمره‌ی پیشروترین موسیقی دانان روسیه به حساب آمد؛ اما شهرت وی محدود به مرزهای روسیه نشد و در ۱۸۸۴ سمعونی اول او در وایمار، با موفقیت توسط فرانسیس لیست، اجرا گردید. استنکارا زین در نمایشگاه جهانی پاریس در ۱۸۸۹ موفقیتی قطعی یافت. این چنین گلازونوف در سراسر دنیای موسیقی به شهرت رسید و در سال ۱۸۹۳ پیشنهادهایی از اطراف دنیا به او رسید؛ از آن جمله، ساخت یک مارش پیروزی برای نمایشگاه شیکاگو بود.

در ۱۸۹۹ به سمت استادی تنظیم سازها در کنسرواتوار سن پترزبورگ انتخاب شد و به طوری مؤثر دوره‌ی کار طولانی و پرحداده را به عنوان معلم برای آموزش تمام نسل آهنگسازان روسی آغاز کرد. در ۱۹۰۹ رئیس کنسرواتوار شد و تا ۱۹۲۸ با موفقیت این پست را در اختیار داشت. درست قبل از جنگ اول جهانی، گلازونوف در آهنگسازی افت هنری محسوسی یافت.

واعقیتی که خود نیز آن را پذیرفت. او دو دهه‌ی دیگر هم عمر کرد و در حالی که پستهای خود را در اختیار داشت، کارهایی با اهمیت کمتر را به انجام رساند. تا در ۱۹۲۸ روسیه ماند، درحالی که سمپاتی زیادی به انقلاب نشان نمی‌داد. در ۱۹۲۸ محل سکونت خود را به پاریس منتقل کرد. این موسیقیدان خسته و غمگین، بقیه‌ی عمر خود را در فرانسه گذراند و به ندرت به کشور دیگر سفر کرد تا رهبری آثار خود را عهده‌دار شود. اولین ظهرورش در آمریکا ۲۱ نوامبر ۱۹۲۹ به عنوان رهبر میهمان ارکستر سمعونیک دیترویت بود. وی در ۲۱ مارچ ۱۹۳۶ در پاریس درگذشت.

۱۹۰۱ - اورتور سوله نل اپوس هفتاد و سه Ouverture Solennelle

این اورتور فستیوال، با اعلام آکورد قوی سازهای ذهنی و برنجی شروع می‌شود. به زودی سازهای بادی چوبی و هورن‌ها با فورانی رومانتیک به آن پیوسته و بعد ویله ۰ آ. ۱۹۱۱